



فرهنگستان و واژه‌گزینی

به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است» و «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد». این پایگاه رفیع و خطیر مقتضی آن است که زبان فارسی همچون موجودی زنده نگهداری و مراقبت شود و علل و اسباب صحت و سلامت و آنچه موجب دوام و قوت و بالندگی یا، به خلاف، پژمردگی و بیماری آن می‌شود معلوم گردد. «زبان رسمی»، از بسیاری جهات، با «پول رسمی» کشور مشابهت دارد و، همان‌طور که مسئولان بلندپایه کشور و مدیران ارشد دستگاه‌های اقتصادی باید پیوسته در اندیشه حفظ ارزش پول رسمی کشور و مقابله با آفات و خطراتی باشند که آن را تهدید می‌کند، مسئولان و مدیران ارشد دستگاه‌های فرهنگی کشور نیز باید نسبت به آنچه شأن و منزلت زبان فارسی را استواری و فزونی می‌بخشد یا بدان آسیب می‌رساند آگاه و حساس باشند.

از جمله دستگاه‌های فرهنگی متولی زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که، بنا به آنچه در اساس‌نامه این سازمان آمده، وظیفه «حفظ قوت و اصالت زبان فارسی و پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی» و نیز «رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور و ایجاد نشاط و بالندگی در این زبان را به تناسب مقتضیات زمان» بر عهده دارد.

فرهنگستان نهال نورسته‌ای است که هنوز ریشه‌های خود را عمیق و استوار نکرده و

شاخ و برگ انبوه نیفشاننده و سایه نگسترده و بار فراوانی نیاورده است؛ هر چند همگان از آن انتظار دارند پاس‌دار و نگهبان زبان فارسی و پشتیبان و مرجع نهایی حل و فصل مسائل و مشکلات آن باشد.

این انتظار البته به حق و به جاست، اما نباید فراموش کرد که مسائل و مشکلات زبان فارسی نیز ساده و اندک نیست و سیاهه آنها خود ستون بلندی است که می‌ارزد یک‌بار به سطری از آن ستون نگاهی بیفکنیم.

مهم‌ترین مشکلی که امروزه زبان فارسی با آن مواجه است «هجوم واژه‌های بیگانه» به این زبان است و این همان خطری است که توجه عموم دوست‌داران زبان فارسی را بیش از سایر خطرها به خود جلب کرده است؛ چنان‌که غالباً تصور می‌کنند گزینش واژه‌های فارسی به جای لغات بیگانه یگانه وظیفه فرهنگستان است و حال آن‌که چنین نیست، هر چند بی‌گمان این کار مهم‌ترین وظیفه عاجلی است که فرهنگستان بر عهده دارد.

کثرت و تنوع لغات بیگانه‌ای که در حوزه‌های علم و صنعت و اقتصاد و مفاهیم اجتماعی وارد زبان فارسی شده و سرعت روزافزون ورود آنها به حدی است که گه‌گاه سبب می‌شود حتی بعضی اشخاص که خود دوست‌دار زبان فارسی هستند سد این سیل ویرانگر را ممتنع و درمان این درد را محال پندارند. آنچه غلبه بر این مشکل را مخصوصاً دشوار ساخته وقفه‌ای است که در شصت سال گذشته، یعنی از آغاز تأسیس نخستین فرهنگستان، در امر واژه‌گزینی پیش آمده است. اگر آن کوشش و تلاش منقطع نمی‌شد و دست‌خوش سلیقه‌های افراطی و گرایش‌های غیر علمی بعضی متعصبان نمی‌گردید، امروزه ما، در عرصه واژه‌گزینی، صاحب تجربه‌ای سودمند و سابقه‌ای نسبتاً طولانی و سنتی جا افتاده بودیم و، مهم‌تر از آن، توانسته بودیم، به صورتی مداوم و متصل، چندین نسل واژه‌گزین متخصص و پژوهش‌گر تربیت کنیم و، هم‌زمان با ورود تدریجی لغات بیگانه، آهسته و پیوسته، به جای آنها واژه فارسی بنشانیم و از انباشته شدن و رواج لغات بیگانه در ذهن و زبان خاص و عام جلوگیری کنیم.

اکنون ما بیست و ده‌ها هزار لغت خارجی که چند هزار آنها به زندگی عمومی مردم نیز راه یافته و باقی آنها در کلاس‌های درس و کتاب‌های تخصصی بر زبان و قلم اهل فن جاری است. در چنین حالی چه باید کرد؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و نشست و

تماشا کرد و سرنوشت زبان فارسی را به دست کسانی سپرد که نه با گذشته این زبان آشنا هستند و نه غم آینده آن را می‌خورند، یا آن‌که باید، به دور از شتاب‌زدگی، سررشته کار را با سرانگشت تدبیر به دست آورد و راهی باز کرد؟
در این راه باید قدم‌های بلندی برداشت که ما ذیلاً به بعضی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌کنیم.

— پرورش یک روحیه ملی برای استفاده از واژه‌های فارسی و پرهیز از استعمال لغات خارجی در عموم مردم؛

— تدوین اصول و ضوابطی معقول و منطقی و به دور از افراط و تفریط ناشی از سره‌گرایی و عربی‌مآبی که در حکم منشوری علمی پیش چشم واژه‌گزینان قرار گیرد و راه‌نمای آنان شود؛

— آشنایی با دانش واژه‌گزینی در کشورهای دیگر، آگاهی از اصول و اسلوب جهانی واژه‌گزینی، آگاهی از مقتضیات نظام واژه‌گزینی در علم و صنعت جهان امروز، چاره‌اندیشی برای پدیده‌های گسترده‌ای از قبیل اختصارات، و آشنایی با تجربه کشورهای که کمابیش وضعی شبیه ما دارند خصوصاً کشورهای همسایه و خویشاوندان فرهنگی ما؛

— استفاده از زبان شناسی برای آگاهی از طبیعت زبان فارسی و سرشت تحولات آن در حوزه‌های آوایی و واژگانی و دستوری و هم‌چنین توجه به جنبه‌های اجتماعی زبان؛
— آگاهی از گنجینه سرشار لغات فارسی که دست کم از هزار سال پیش تا امروز در متون و کتاب‌های فارسی محفوظ مانده و نیز آگاهی از لغات و اصطلاحات و ترکیبات موجود در گویش‌ها و زبان‌های محلی و منطقه‌ای؛

— آگاهی از تجربه هزارساله و خصوصاً تجربه یکصد سال اخیر ایرانیان و فارسی‌زبانان در واژه‌گزینی و گردآوری همه معادل‌هایی که، در دوره جدید آشنایی ما با تمدن غربی، به ابتکار مترجمان و ادیبان و استادان، در عرصه‌های متعدد ساخته شده است؛
— ایجاد نشاط و تحرک در پژوهش‌های مربوط به دستور زبان فارسی برای آگاهی از انواع قواعد و امکانات و الگوهای واژه‌سازی این زبان و نیز به دست آوردن شمّ زبانی برای داشتن انعطاف و نوآوری معقول و منطبق با طبیعت زبان فارسی در جهت تأمین نیاز روز افزون واژه‌گزینی؛

– تشخیص اولویت‌ها در واژه‌گزینی و تعیین آن دسته از لغاتی که واژه‌گزینی برای آنها ضرورت و اهمیت بیشتری دارد؛

– جلب توجه استادان و دانش‌جویان ادبیات فارسی دانشگاه‌ها به سمت و سوی پژوهش‌های مربوط به واژه‌گزینی و برانگیختن ذوق و شوق آنان برای التفات از عوالم سنتی معهود و مألوف خود به جانب عرصه‌های نوی که دنیای جدید در برابر زبان‌شناسان و ادیبان گشوده است.

– تربیت صدها نفر متخصص در امر واژه‌گزینی برای همکاری با گروه‌های متعدد و متنوع متخصصان رشته‌های علمی و فنی و هنری و نیز برای تحقیق در انواع مسائل و موضوعاتی که امروز و فردای واژه‌گزینی پدید آورده و خواهد آورد.

آری اینها و امور دیگری مانند اینها کارهایی است که می‌باید تنها در حیطه واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به انجام رسد. اما، چنان‌که گفتیم، واژه‌گزینی یگانه وظیفه فرهنگستان نیست و شرح و توضیح مسائل و مشکلات مربوط به سایر حیطه‌ها و وظایف فرهنگستان را مجالی دیگر باید.

غلامعلی حداد عادل